

بررسی و تحلیل نگاه مستشرقان به انتظار و آمادگی برای ظهور منجی نزد مسلمانان

زهیر دهقانی آرانی^۱

چکیده

انتظار آمدن و آمادگی برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از جلوه‌ها و موضوعات مهم مرتبط با منجی‌گرایی اسلامی است که در تحقیقات مستشرقان درباره مهدویت، نمود قابل توجهی داشته است؛ ولی متأسفانه به صورت مستقل و متمرکز، واکاوی و نقد نشده است. تعریف و اهمیت انتظار، بررسی روایات انتظار، کاوش در روند شکل‌گیری این مفهوم و نیز نمونه‌های تاریخی جلوه‌گری انتظار در میان مسلمانان، از عمده‌ترین عرصه‌هایی است که محققان غربی به تحقیق و اظهارنظر درباره آن پرداخته‌اند. نوشتار پیش رو با اتخاذ شیوه‌ای اکتشافی و بررسی حداکثری آرای خاورشناسان مهدی‌پژوه، به واکاوی و تحلیل نظرات مستشرقان در این موضوع می‌پردازد. مهم‌ترین ادعای مستشرقان در مورد انتظار، شکل‌گیری آن در بستر تاریخی، اختصاص آن به شیعیان و ویژگی سکوت‌گرایانه و منفعلانه انتظار می‌باشد که در این نوشتار مورد تحلیل و نقد مختصر قرار گرفته است.

کلیدواژگان: انتظار، آمادگی برای ظهور، مستشرقان، نگاه مستشرقان به مهدویت.

۱. عضو هیئت علمی مرکز تخصصی مهدویت و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی. zdarani@yahoo.com

مقدمه

نگاه مستشرقان به مهدویت در طی ۱۵۰ سال اخیر، دستخوش تغییر و تحولات بسیاری بوده است. در طول این سالیان و بسته به شرایط زمانی یا علایق شخصی برخی از مستشرقان، تعدادی از زیرموضوعات مرتبط با مهدویت، مورد توجه ویژه ایشان قرار گرفته و در مورد آنها به اظهار نظر پرداخته اند. با توجه به اعتقاد قریب به اتفاق مسلمانان به آمدن منجی آخرالزمانی با عنوان "مهدی" و تشکیل نظام عادلانه جهانی به دست او، طبیعتاً انتظار آمدن او در میان جوامع اسلامی از همان ابتدا وجود داشته و شاید یکی از عوامل ظهور و اقبال به مهدی خواننده‌های متعدد در طول تاریخ، همین مسأله بوده است. در میان شیعیان - به ویژه شیعیان دوازده امامی - با توجه به علل مختلفی از جمله ظلم تاریخی طبقه حاکم از یک سو و اعتقاد بر انطباق "مهدی" بر امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَام و زنده بودن او از سوی دیگر، این انتظار، بسیار پررنگ تر بوده و یکی از ارکان باور مهدویت شیعی را شکل داده است. به تبع این انتظار و اوج‌گیری حس نزدیک بودن آمدن و ظهور امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام آمادگی و مهیا شدن برای این امر در میان برخی مسلمانان، به ویژه شیعیان، در برهه‌های مختلف تاریخی، نمودهای مهم و تأثیرگذاری داشته است.

بررسی نگاه مستشرقان به انتظار و آمادگی برای ظهور، موضوع نوشتار پیش روست. مطابق پیمایش صورت‌گرفته، تنها کارهای علمی که در این موضوع پیش از این صورت گرفته، بخش‌های مختصری از کتاب شرق شناسی و مهدویت^۱ و نیز رساله دکتری صاحب این قلم با عنوان «سیر تحول نگاه مستشرقان به مهدویت در ۱۵۰ سال اخیر»^۲ می‌باشد که بسیار محدود و موجز بوده و همه جوانب موضوع و نگاه مستشرقان مختلف به آن را پوشش نداده است.

در این نوشتار به شیوه‌ای اکتشافی و با مطالعه مستقیم و فیش‌برداری حداکثری از منابع نوشتاری مستشرقان مهدی‌پژوه، نظرات ایشان در موضوع انتظار و زیرموضوعات مرتبط با آن

۱. برای مثال ر.ک: موسوی گیلانی، شرق شناسی و مهدویت، ص ۹۵-۹۸.

۲. برای مثال ر.ک: دهقانی آرانی، «سیر تحول نگاه مستشرقان به مهدویت در ۱۵۰ سال اخیر» (رساله دکتری)، ص ۹۳-۹۵ و ۱۵۱-۱۵۶.

دسته‌بندی و ارائه شده است؛ علاوه بر آنکه در انتها علت برخی تحلیل‌ها و برداشت‌های نادرست خاورپژوهان در این عرصه نیز مورد واکاوی قرار گرفته است.

تعریف و اهمیت انتظار نزد مسلمانان به ویژه شیعیان

موضوع انتظار از موضوعات مهم مرتبط با مهدویت است که از نگاه مستشرقان مغفول نمانده است. گرچه بسیاری از محققان و نویسندگان غربی که در عرصه مهدویت قلم زده‌اند، بیشتر به جنبه‌های تاریخی و خاستگاه اندیشه مهدویت در اسلام پرداخته‌اند؛ ولی برخی از آنها به موضوع امید و انتظاری که در میان مسلمانان به آمدن منجی (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تشکیل نظام عادلانه و الهی وجود دارد، نیز ورود داشته‌اند. آندره نیومن در مصاحبه‌ای به تشابه ادیان مختلف در مفهوم انتظار پرداخته و این چنین می‌گوید: «نکته جالب در مطالعات من، آن است که به مرور فهمیدم در هر سه دین ابراهیمی - یهودیت، مسیحیت و اسلام - نوعی حالت انتظار وجود دارد. به عبارت دیگر اگرچه تفاوت‌های زیادی در میان یهودیان، مسیحیان و مسلمانان به چشم می‌خورد، اما ویژگی‌های مشترکی هم دارند که یکی از آنها همین موضوع انتظار است. برای بنده بسیار جالب بود که همه ما در حال انتظار هستیم و همه این ادیان، توحیدی به حساب می‌آیند».^۱ رودولف پیتز در اظهار نظر جالبی در این باره می‌نویسد:

«اسلام، دین محبوبی است که با نیازهای عادی مردم سازگار است و ویژگی‌های متمایزی همچون عبادت، معجزه و "انتظارات هزاره‌ای" دارد. این انتظارات در باور به ظهور مهدی نمود عینی دارد؛ چراکه او در آخرالزمان برمی‌گردد، بی‌عدالتی را پایان می‌دهد و دوره‌ای از رفاه و عدالت را آغاز می‌نماید. بدیهی است چنین اعتقادی در بحران‌های اجتماعی و سیاسی جذاب است؛ چراکه هم می‌تواند مردم را آرام کند و هم ایشان را امیدوار به اتمام بدبختی‌شان نماید. البته ممکن است موجب تسلیم و سکوت نیز بشود. از سوی دیگر این اعتقاد می‌تواند در هر زمانی به عنوان یک ایدئولوژی انقلابی به خدمت یک رهبر درآمده و ادعا کند او همان مهدی منتظر است که علیه نظام سیاسی موجود شورش کرده است. تاریخ اسلام، جنبش‌های بسیاری از این نوع را

۱. نیومن، آشنایی با شیعه‌پژوهان غربی، ص ۳۰.

شناخته است»^۱.

اهمیت اعتقاد به چنین باوری در زندگی دینداران غیر قابل انکار است؛ چنانکه هاجسون با اشاره به تأثیر عمیق این نگاه منتظرانه در میان مسلمانان به ویژه شیعیان می‌نویسد:

«چنین انتظاری نه تنها به معنای امید به آینده است؛ بلکه ارزیابی مجددی از زندگی اجتماعی و تاریخی فعلی است. با توجه به آنچه اتفاق افتاده - و هر نسلی دلایلی داشته که فرض کند چنین اتفاقی در زمان او رخ می‌دهد - شرایط کنونی اجتماعی و سیاسی موقت و حتی شکننده فرض می‌شده است. هر آن ممکن بود رهبر مورد انتظار (مهدی) ظاهر شود و مؤمنان را با خواندن نزد خویش بیازماید، در مورد ایشان عدالت را جاری کند و تحول بزرگ اجتماعی تحت فرمان او با حمایت وعده داده شده الهی، محقق شود... هر رویداد تاریخی عمده و مهمی می‌تواند آمدن مهدی را پیش‌گویی کرده و آماده سازد. مؤمنان همیشه آماده هشدار و انجام نقش خویش در وظایف نهایی هستند. بدین ترتیب یک چشم‌انداز هزاره‌گرایانه در تمام تاریخ - در امروز و آینده - جاری و ساری است»^۲.

باید توجه داشت طبیعتاً و با توجه به جایگاه ویژه و ممتاز مهدویت در باورهای شیعیان، غالب مستشرقان در هنگام بحث از انتظار، آن را صرفاً موضوعی شیعی قلمداد کرده‌اند و حتی اعتقاد به این‌گونه انتظار را نقطه تمایز نگاه منجی‌گرایانه شیعه و اهل سنت دانسته‌اند؛ برای مثال، هاجسون یکی از موارد مهم تفاوت نگاه شیعه و اهل سنت به تاریخ آینده اسلامی را اعتقاد و انتظار عمومی در میان شیعیان برای ظهور مهدی - به عنوان برقرارکننده عدالت در سطح جهان - می‌داند؛ در حالی که این اعتقاد چندان میان اهل سنت مطرح نیست.^۳ گلدزیهر نیز معتقد است در اسلام سنی، علی‌رغم ذکر برخی احادیث، انتظار ظهور مهدی، باور عمیق دینی نیست و بیش از یک اسطوره یا امری ثانوی بدان نگریسته نمی‌شود.^۴

به هر ترتیب، چه مفهوم انتظار را جاری و ساری میان همه مسلمانان بدانیم و چه آن را

1. Peters, Islam and the legitimation of power: the Mahdi-revolt in the Sudan, pp.411-412.
2. Hodgson, The Venture of Islam: a short history of Islâmic civilization, v.1, p.374.
3. Ibid, v.2, p.446.
4. Goldziher, Introduction to Islamic theology and law, pp.198-202.

مختص شیعه به ویژه شیعیان دوازده امامی قلمداد کنیم، تأثیر این انگاره بر آموزه‌های شیعی امری واضح و آشکار است؛ چراکه تأثیرات شگرفی بر جنبه‌های مذهبی و اجتماعی شیعیان در عصر غیبت دارد. کولین ترنر در این باره می‌نویسد:

«آموزه انتظار دارای پیامدها و معانی مهمی هم در زندگی شخصی و هم در زندگی سیاسی شیعیان دوازده امامی در دوران غیبت امام است. اول آنکه با توجه به غیبت امام به عنوان رهبر مذهبی و مرجع هدایت معنوی، وظایف شخصی شیعیان نسبت به خداوند چیست و وظیفه رهبری مذهبی به دست چه کسی است؟ دوم آنکه با توجه به نبود امام به عنوان رهبر سیاسی جامعه شیعیان دوازده امامی و وارث علی و تجسم خلیفه ایده‌آل مسلمانان که در وی رهبری دنیوی و مذهبی به طور کامل جمع شده، نگرش شیعه دوازده امامی به سؤال در مورد حکومت دنیوی چیست؟»^۱

روند شکل‌گیری باور انتظار

برخی نویسندگان غربی معتقدند روند شکل‌گیری باور انتظار در میان مسلمانان/شیعیان، تدریجی بوده و از انتظاری کوتاه و موقت به انتظاری طولانی‌مدت و آخرالزمانی تبدیل شده است. وجود و بالا بودن انتظارات آخرالزمانی در فضای ابتدایی اسلام و احتمال گرده برداری این انتظار از فضای حاکم بر سرزمین‌های اسلامی پیش یا در ابتدای ورود اسلام به این مناطق، مورد اشاره یا تأکید برخی از این مستشرقان بوده است. نیکی کدی ضمن موافقت با انگاره ورود تفکرات منجی‌گرایانه و افراطی به شیعیان عراقی از طریق پیروان ادیان دیگر، ادعا می‌کند این تفکرات ابتدا منجر به شورش‌هایی کوچک و بزرگ می‌شد؛ ولی پس از عدم موفقیت، به انتظاراتی در مورد پیروزی آتی در آینده‌ای نزدیک بدل می‌گشت.^۲ ژوزف فان اس نیز با ادعای اینکه اعتقادات آخرالزمانی در مورد بازگشت مسیح از دمشق قبلاً در شام وجود داشته و از آن طریق وارد منابع اسلامی شده، وجود انتظارات آخرالزمانی و هزاره‌گرایانه را از همان آغاز اسلام و زمان پیامبر ﷺ که القای قریب‌الوقوع بودن آخرالزمان می‌شد، می‌پذیرد. او معتقد است قیام

1. Turner, Still Waiting for the Imam?: The Unresolved Question of intizār in Twelver Shi'ism, p.30.
2. Keddie, Shi'ism and Revolution, p.159; Idem, Iran and the Muslim world: resistance and revolution, pp.155-156.

بنی عباس بر بستر هزاره‌گرایانه شکل گرفت و مهدی خواندن برخی عباسیان همچون سفاح و به ویژه المهدی در این راستا توجیه می‌شود.^۱ مارگولیوئث نیز به تأثیر شکست‌های جنگی پس از پیامبر ﷺ بر شکل‌گیری ایده انتظار منجی اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«در سیستم اسلامی در ابتدا هیچ جایی برای چنین انتظاری وجود نداشت؛ چراکه ۲۵ سال پس از مرگ [حضرت] محمد با پیروزی‌های مسلمانان همه چیز به خوبی پیش می‌رفت... پس از ۳۵ سال، کم‌کم اوضاع تغییر کرد و در ابتدا بازگشت خود [حضرت] محمد مطرح شد؛ اگرچه چندان مورد توجه قرار نگرفت. با این حال پس از مرگ نخستین خلیفه اموی، جنگ‌های داخلی دوباره آغاز شد و شکست و مرگ نوه پیامبر به دست مسلمانان، جامعه اسلامی را تکان داد، نیاز به یک منجی امری ضروری تلقی شد و تاکنون این احساس متوقف نشده است. نامی که برای این نجات‌بخش ساخته شد، "مهدی" است.»^۲

هالم نقطه شروع چنین انتظاری را در دهه هفتاد هجری و جریان محمد حنفیه می‌داند. به باور او در تغییر چهره اساطیری محمد بن حنفیه بود که انتظار شیعیان برای ظهور مهدی، اولین بار شکلی نافذ به خود گرفت. این الگوی غیبیت و رجعت امام راستین که به دست کیسانیه در آغاز قرن دوم شکل گرفت، بعداً مورد قبول سایر شاخه‌های شیعه واقع شد و گسترش بیشتری یافت. شخصیت مهدی سرانجام حتی به آخرالزمان‌شناسی عامیانه اهل سنت نیز وارد شد.^۳ مادلونگ نیز جنبش انقلابی بنی‌عباس را باعث «تحریک و پشتیبانی از انتظارات مسیحایی و امید برای ظهور یک اعاده‌گر دین و حکومت عدل از میان اهل بیت» می‌داند و استفاده خلفای

1. Ess, Theologie und Gesellschaft im 2. und 3. Jahrhundert Hidschra, pp.6-7.

2. Margoliouth, On Mahdis and Mahdism, p.2.

جالب آن است که دیوید کوک دیدگاهی در این مورد دارد که تا حدود زیادی مخالف نظر مارگولیوئث است. او معتقد است مسلمانان بنا به آموزه‌هایی که از جانب پیامبر ﷺ به مسلمانان آغازین در مورد نزدیک بودن آخرالزمان منتقل شده بود، آخرالزمان را بسیار نزدیک می‌دانستند و با توجه به اینکه معتقد بودند باید پیش از پایان دنیا اسلام جهان را فتح کند، همین مسئله عاملی بسیار مهم در پیروزی‌های عظیم مسلمانان در جنگ با امپراتوری‌های بزرگ آن زمان، از جمله ایران و روم بود (Cook, Fighting to Create the Just State, p.368).

۳. هالم، تشیع، ص ۵۰-۵۲.

اولیه عباسی از عناوین منجی‌گرایانه همچون سفاح، منصور و مهدی را در همین راستا ارزیابی می‌کند.^۱

دیوید پینالت معتقد است در پی باور شیعیان به ظلمی که بدیشان و امامانشان صورت گرفته، «مقابله با این بی‌عدالتی در جهان خارج می‌توانست در یکی از دو روش قیام یا انتظار نمود داشته باشد. یک فرد می‌توانست از قیام [امام] حسین تقلید کند یا اینکه منتظر مهدی باشد که روزی بدی‌های جهان را از میان بردارد. ... قیام در شکل‌گیری طرفداران [نظامی‌گری] اولیه علی همچون زیدیان در قرن هشتم یا فداییان حشاشین که فاز شبه نظامی اسماعیلیه در قرون وسطی بودند، تأثیرگذار بود. با این حال، مشخصه شیعه دوازده‌امامی در بیشتر تاریخ این گروه، پیروی از شیوه انتظار بوده که طی آن صفوف مختلف مؤمنان از رویارویی با حکومت اجتناب می‌کردند؛ در حالی که علمای شیعه یا از مشارکت عمومی کنار می‌کشیدند یا با حکومت حاکم، همکاری می‌کردند».^۲

به هر ترتیب با گذشت زمان، اعتقاد به انتظار آمدن مهدی به عنوان یکی از مشخصه‌های گروه‌های شیعه تبدیل شد؛ چنانکه گلدزیهر در این باره می‌نویسد:

«اعتقاد به بازگشت امام غایب در همه شاخه‌های شیعه پخش شده و هر گروه شیعی به زندگی ادامه‌دار امام مسیحای خود که آخرین فرد از سلسله امامت است، باور دارند... لذا عقیده "بازگشت" (الرجعة) یکی از قطعی‌ترین عناصر نظریه امامت در نزد همه شاخه‌های شیعی است. تنها تفاوت بر سر شخص امام غایب و مورد انتظار است».^۳

شایان ذکر است وام‌گیری مفهوم غیبت و انتظار در شیعه امامیه از مکاتب قبلی همچون کیسانیه، واقفیه و ... در کلام مستشرقانی همچون هالم، مادلونگ و دیگران نیز آمده است.^۴

1. Madelung, AL-MAHDI, p.1233.

2. Pinault, The Shiites: ritual and popular piety in a Muslim community, p.170.

3. Goldziher, Introduction to Islamic theology and law, p.193.

۴. دهقانی آرانی، سیر تحول نگاه مستشرقان به مهدویت در ۱۵۰ سال اخیر (پایان‌نامه دکتری)، ص ۱۵۳-۱۵۴.

مفهوم انتظار

بنا به نگاه مستشرقان به شکل‌گیری مفهوم انتظار در میان مسلمانان به ویژه شیعیان، نوع تعریف این مفهوم نزد مستشرقان مشخص می‌شود. کولین ترنر که عمده کارش -از جمله تز دکتری او- در زمینه باورهای شیعه امامیه بوده است، بحث نسبتاً مفصلی در مورد مفهوم لغوی و اصطلاحی انتظار دارد و معتقد است انتظار، حالتی انفعالی است که شامل یک دکتربین امید و اعتماد به این موضوع است که امام غایب یک روز دوباره ظاهر شده و جهان را از عدالت پر می‌کند و نوعی جامعه ایده‌آل اسلامی را ایجاد می‌نماید. او که بیش از دیگر محققان غربی روایات انتظار را مورد تدقیق قرار داده و با اشاره به فضائل گفته شده برای انتظار، شمارگان این‌گونه احادیث را بیش از ۸۰ مورد عنوان کرده، معتقد است «یکی از ویژگی‌های برجسته روایات انتظار، فراخوانی شیعیان به تسلیم به اراده خداوند، نه فقط در زمینه غیبت طولانی امام؛ بلکه در مواجهه با وقایع اجتماعی و سیاسی و مهم‌تر از آن، استبداد قدرت‌های حاکم است». وی برای اثبات ادعای خود به روایاتی از جمله روایت ابوالجارود از امام باقر علیه السلام و نیز روایت منقول از امام صادق علیه السلام در مورد نشستن در خانه و منتظر بودن برای تحقق دولت حق و نیز روایتی مبنی بر هلاکت عجله‌کنندگان استناد می‌کند.^۱ نتیجه‌ای که ترنر در انتهای مقاله از روایات انتظار می‌گیرد، بسیار قابل تأمل است:

«مفهوم انتظار برای ملایم کردن (نرم کردن، آرامش دادن...) به ضربات ظلم و ستمی بود که بر سر شیعیان دوازده‌امامی تا زمان بازگشت امام از جانب هر حاکم و حکومتی وارد می‌شد؛ لذا در طول غیبت او، همه حکومت‌ها نامشروع هستند و ایجاد ائتلاف با ایشان همتای شرک و بدعت است. هر مقدار اذیت و تحقیر که یک شیعه دوازده‌امامی به واسطه ظلم غاصبان با آن مواجه شود، باید در مقابل آن تسلیم شود و آن را بخشی از امتحان الهی بداند. او باید تا آنجا که ممکن است از تعاملات اجتماعی و سیاسی با دیگران بیرون رود. در هیچ مسأله‌ای نباید با ستمگر مخالفت کند یا با او درگیر شود. استبداد شاهان یک راز الهی است و این خدا و نه بشر است که تصمیم می‌گیرد چه هنگام این ظلم و ستم از سر شیعیان برداشته شود. شیعیان باید در خانه‌های خود باقی

1. Turner, Still Waiting for the Imam?: The Unresolved Question of intizār in Twelver Shi'ism, pp.30-35.

بمانند، به آیین‌ها و سنن مذهبی خود احترام بگذارند و از خدا بخواهند آمدن امام را تسریع کند»^۱.

ادعای اینکه اعتقاد به انتظار پاسخی محتاطانه در مقابل حرکت‌های تند و قیام‌های برخی گروه‌های شیعی بوده، در تعریف برخی دیگر از مستشرقان نیز نمود دارد؛ برای مثال پینالت، انتظار را در انتهای کتابش چنین تعریف کرده است:

«تعریف انتظار: اصطلاحی است برای توصیف یک حالت و موضع اهل سکوت جهت اجتناب از رویارویی سیاسی با قدرت‌های حاکم جهان؛ با این توجیه که فرد، صابرا نه منتظر بازگشت امام غایب به عنوان مهدی است»^۲.

مونتگمری وات نیز انتظار شیعی را به نوعی مایه قوت دل‌شعیبان معنا می‌کند؛ چراکه این اعتقاد برای شیعیان حداقل برای مدتی موقت و کوتاه، راحتی و امنیت فراهم می‌آورد؛ زیرا امام خود را رهبری زنده می‌دانستند که در نهایت بازمی‌گردد.^۳

با این حال چنین نیست که همه مستشرقان، دارای نگاه سیاسی و منفی به مفهوم انتظار شیعی باشند؛ برای مثال، هانری کربن که انتظار را از مفاهیم عمیق و باطنی شیعیان دوازده‌امامی می‌داند، معتقد است نزد شیعه دوازده‌امامی، آگاهی قبلی عمیقی نسبت به سرِ انتظارِ عالم بشری از اختتام تاریخ دیده می‌شود که مشابهت زیادی به انتظار زرتشتیان به آمدن سوشیانت و عقیده بودائی‌ان به میتره یا باور برخی فرق مسیحی به بازگشت مسیح و حکومت روح‌القدس بر عالم دارد.^۴ کلود کائن نیز نظریه انتظار در دکتترین شیعه را نظریه‌ای معتدلانه می‌خواند که در آن، دوران‌دیشی عقلانی (حزم) ترویج می‌شود.^۵

1. Ibid, p.47.

2. Pinault, The Shiites: ritual and popular piety in a Muslim community, p.179.

3. Watt, The Rāfidites : a preliminary study, p.120.

۴. کربن، مجموعه مقالات هانری کربن، ص ۷۰.

5. Cahen, Vom Ursprung bis zu den Anfängen des Osmanenreiches, p.183.

روایات انتظار

روایات انتظار، جایگاه بسیار والایی در میان احادیث مهدویت به ویژه نزد شیعیان دارند. متأسفانه علی‌رغم چنین جایگاهی، کمتر نویسنده و محقق غربی به صورت خاص و دقیق بر روی این روایات کار کرده و به عکس برخی موضوعات حدیثی همچون علائم الظهور، این موضوع چندان در معرض توجه مستشرقان نبوده است.

شاید بتوان گفت تنها کسی از مستشرقان که به طور ریشه‌ای و گسترده به روایات انتظار پرداخته و آنها را تحلیل و بررسی کرده، کولین ترنر انگلیسی است. ترنر که از بحار الانوار در جایگاه "دائرة المعارف حدیث شیعه" به عنوان منبع خود برای بررسی این احادیث استفاده نموده، روایات بحار در مورد انتظار را تحت دو عنوان و موضوع اصلی گروه‌بندی کرده است؛ یکی آزمایش (امتحان) شیعیان دوازده‌امامی در طول دوره غیبت و دیگری "ارزش انتظار" برای بازگشت امام (فضائل الانتظار).

ترنر معتقد است تعداد قابل توجهی از روایات، به ممنوعیت بر زبان آوردن نام امام غایب و تعیین یک تاریخ و زمان مشخص برای بازگشت او اشاره دارند؛ در حالی که روایات دیگر، آزادانه به تعداد سال‌هایی می‌پردازند که قبل از بازگشت امام و پایان رنج شیعه در نظر گرفته شده است. از هر دو نوع روایات، مشخص است که در طول عمر امامان، پیروان ایشان ظهور دوباره و قیام مهدی را در آینده نزدیک پیش‌بینی می‌کردند. او وجود این دو گونه روایات به ظاهر متناقض را نشانگر آن می‌داند که مفهوم مهدی یا منجی غایب نزد شیعیان هنوز در پروسه تغییر بوده و ابهام داشته است. ترنر برداشت‌های قابل توجهی از کنارهم گذاشتن روایات مهدویت در این موضوع دارد. او معتقد است بنا بر بسیاری احادیث، ظهور [حضرت] مهدی به طور کلی خارج از دست مردم است و حتی شیعیان ممکن است با رفتار خود عملاً مانع بازگشت امام شوند. شیعیان برای بازگشت مهدی باید مشکلات خود را فراموش و آرامش خود را حفظ کنند؛ چراکه در این دوران هیچ چیز مثبت و عملی‌ای وجود ندارد که آنها بتوانند انجام دهند. ظهور تنها به فرمان خداوند است و به هیچ عنوان مشروط به خواست و اراده مردم نیست.

کولین ترنر، گزارش توصیفی نسبتاً کاملی از محتوای روایات انتظار نیز ارائه داده است. بنا به نوشته او تعداد زیادی از هشتاد و چند روایت در مورد فضیلت انتظار، این عمل را بالاترین

(افضل) اعمال معرفی می‌کنند و در یک روایت، انتظار، مترادف با عبادت خوانده شده است. به باور ترنر در این روایات با توصیه به انتظار گشایش از رنج‌ها و ناامید نشدن از رحمت الهی، از شیعیان خواسته شده تا از خدا کمک بطلبند، صبر و شکیبایی به خرج دهند و برای [رسیدن] دولت حق، شتابزده و عجولانه رفتار نکنند؛ زیرا کسانی که در این امور عجله پیشه کنند، پشیمان خواهند شد. اجر بسیار بالای ثبات قدم، وفاداری به امامان علیهم‌السلام و انجام عبادات مخفیانه در غیبت نیز در روایات انتظار مورد تأکید چندباره قرار گرفته‌اند.

ترنر مدعی است «یکی از ویژگی‌های برجسته روایات انتظار، فراخواندن تسلیم به خواست الهی است نه تنها در زمینه غیبت طولانی امام بلکه در برابر وقایع اجتماعی و سیاسی و به‌ویژه ظلم و ستم قدرت‌های حاکم.» وی برای نمونه، روایت ابی الجارود از امام باقر علیه‌السلام را نقل می‌کند که مطابق آن، امام به نشستن در خانه هنگام قیام دیگران سفارش می‌فرماید. به باور او چندین روایت دیگر نیز بر سکوت‌گرایی سیاسی و انزوای اجتماعی تأکید کرده‌اند (از جمله روایات امام صادق علیه‌السلام مبنی بر خانه‌نشینی، یا روایت امام باقر علیه‌السلام مبنی بر آزار شیعه در صورت قیام در غیر وقت آن). وی در انتهای تحلیل این بخش می‌نویسد: «تا وقتی که زمین و دریا آرام هستند، مردم (یعنی شیعیان دوازده‌امامی) نیز باید آرام باشند. آنها نباید تحت هیچ شرایطی با نام امامان اهل بیت علیه کسی شورش کنند. تنها خداوند می‌تواند حکومت حق را با بازگشت امام غایب به ارمغان بیاورد و این کار در دست مردم نیست. انسان باید از امامان اطاعت کند و در برابر هرچه پیش می‌آید، تسلیم باشد.»

نتیجه‌ای که ترنر در انتهای مقاله از روایات انتظار می‌گیرد، بسیار قابل تأمل است:

«مفهوم انتظار برای ملایم کردن (نرم کردن، آرامش دادن ...) به ضربات ظلم و ستمی بود که بر سر شیعیان دوازده‌امامی تا زمان بازگشت امام از جانب هر حاکم و حکومتی وارد می‌شد؛ لذا در طول غیبت او همه حکومت‌ها نامشروع هستند و ایجاد ائتلاف با ایشان همتای شرک و بدعت است. هر مقدار اذیت و تحقیر که یک شیعه دوازده‌امامی به واسطه ظلم غاصبان با آن مواجه شود، باید در مقابل آن تسلیم شود و آن را بخشی از امتحان الهی بداند. او باید تا آنجا که ممکن است از تعاملات اجتماعی و سیاسی با دیگران بیرون رود. در هیچ مسأله‌ای نباید با ستمگر مخالفت کند یا با او درگیر شود. استبداد شاهان یک راز الهی است و این خدا و نه بشر است که تصمیم می‌گیرد چه

هنگام این ظلم و ستم از سر شیعیان برداشته شود. شیعیان باید در خانه‌های خود باقی بمانند، به آیین‌ها و سنن مذهبی خود احترام بگذارند و از خدا بخواهند آمدن امام را تسریع کند»^۱.

دیگر مستشرقان چندان به صورت دقیق و مبسوط به بررسی و تحلیل روایات انتظار نپرداخته‌اند. با این حال برخی به صورت مختصرتر به این‌گونه احادیث اشاراتی داشته‌اند. دیوید کوک به رویکرد و راهبرد ویژه‌ای اشاره می‌کند که شیعیان امامیه در انتهای سده اول هجری و در جریان ظهور مدعیان مسیحایی و آخرالزمانی در میان جامعه مسلمانان و شیعیان در عصر اموی و به ویژه در آستانه ظهور عباسیان اتخاذ کردند و به واسطه آنکه چنین ادعاهایی می‌توانست ضربه شدیدی به وحدت و یکپارچگی شیعیان وارد کند، تصمیم گرفتند به صورت تاکتیکی، خود را از این اتفاقات دور نگه دارند. این محقق غربی در تحلیل ویژه‌ای که از روایات انتظار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزد شیعیان در این دوره دارد، می‌نویسد:

«روایات فضیلت انتظار، بی‌شک برای آرام کردن حرارت کسانی گفته می‌شد که نمی‌توانستند برای جنگ در نبردهای مسیحایی منتظر بمانند. روش دیگر در این کار حتی بی‌پرده‌تر بود و تأکید می‌شد که زندگی در دوران پیش از بازگشت مهدی، راحت‌تر بوده، مزایای بیشتری دارد (اشاره به روایتی از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف در مورد شیوه زندگی و لباس و خوراک امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)»^۲.

کوک، وجود روایات نفی قیام، عدم تعجیل در آمدن مهدی و نیز لزوم و فضیلت انتظار را در چنین بستری معنا می‌کند و مدعی است شیعه - به صورت خاص، امامیه - با این روش راهبردی توانست حتی در سده چهارم هجری و در دولت آل بویه به حکومت نیز دست پیدا کند. مشابه همین ادعا ولی به صورت صریح‌تر از سوی ژئوف ماگن مطرح شده است. وی مقاله‌ای دارد برای اثبات این مطلب که برخلاف تصور عموم، شیعه امامیه، ضد مهدی است و نه مهدی‌گرا(!). در این مقاله، وی مدعی است به طور خاص در زمان امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف و جانشینان ایشان، روایاتی صادر شد تا ظهور قائم و وظیفه برقراری نظام عادلانه به آینده و هدفی دوردست موکول شود، تا

1. Turner, Still Waiting for the Imam?: The Unresolved Question of intizār in Twelver Shi'ism, pp.30-47.

2. Cook, Studies in Muslim apocalyptic, pp.227-228.

عملاً فعالیت‌های منجی خواهانه شیعیان خنثا شود. وی در این زمینه می‌نویسد:

«در واقع، انجام هرکاری در جهت رسیدن به این هدف به شدت ممنوع شد. اگر شعار افراد انقلابی منجی‌گرا، "خروج" یعنی بیرون رفتن و مبارزه در راه هدف بود، شعار این گروه شیعه صلح‌گرا، "قعود" یعنی نشستن در خانه و عدم اقدام به هیچ کاری بود. تجربه انتظار منفعلانه و امیدوارانه به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معادل تجربه واقعی دریافت او شناخته شد. (انتظار الفرج من الفرج) در واقع کلامی که در دهان جعفر الصادق گذاشته شده بود این بود که ظهور منجیانه به هیچ عنوان یک خواست مطلوب نیست: «چرا شما عجله آمدن قائم را دارید؟ قسم به خدا لباس‌های او خشن است، غذای او نان خشک جو است و او هیچ چیز جز شمشیر و مرگ در زیر سایه شمشیر نیست»^۱.

نمونه‌های انتظار و آمادگی برای ظهور در میان شیعیان در طول تاریخ

در طول تاریخ، شیعیان به سبب اعتقاد عمیق به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رفتارهایی در این زمینه از خود بروز داده یا نمادهایی را در این رابطه مورد توجه قرار داده‌اند. چنین رفتارهایی را نمی‌توان مختص شیعیان دوازده امامی دانست و گروه‌های دیگر همچون کیسانیه یا اسماعیلیه نیز در برهه‌هایی از تاریخ دارای چنین نمودهایی بوده‌اند. برنارد لویس که کارهای شاخص او در زمینه اسماعیلیه، سال‌هاست به عنوان منبع تحقیقاتی مورد استفاده پژوهشگران قرار دارد، در زمینه قرامطه - که پس‌زمینه اعتقادی اسماعیلی داشتند - نکته جالب توجهی بیان می‌کند و معتقد است در میان باورهای این گروه که در اشعار و ادعیه ایشان به ویژه در زمان اشغال حمص نمود دارد، انتظار به آمدن مهدی و منجی وجود داشته است؛ چنانکه در یکی از این ادعیه می‌خوانیم: «خدایا، ما را به خلیفه، وارث، منتظر، مهدی، صاحب‌الزمان، امیرمؤمنان مهدی راهنمایی کن. خدایا، زمین را با عدالت و قسط پر نما و دشمنان او را نابود گردان. خدایا دشمنانش را نابود کن»^۲.

طبیعی است با توجه به اعتقاد شیعیان دوازده امامی به غیبت و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نیز

1. Maghen, Occultation in Perpetuum: Shi'ite Messianism and the Policies of the Islamic Republic, p.243.

2. Lewis, The Arabs in history, pp.108-119.

جمعیت غالب ایشان در میان دیگر گروه‌های شیعی، نمودهای انتظار در میان امامیه در طول تاریخ پررنگ‌تر باشد. مستشرقان بسیاری به این نمودها و نمادها که نشانگر توجه، آمادگی، امیدواری به ظهور قریب‌الوقوع و اوج‌گیری انتظار این امر در میان شیعیان در طول تاریخ است، توجه داشته‌اند. شاید ریناد را بتوان از اولین مستشرقانی دانست که بدین موضوع توجه خاصی داشته است. این مستشرق فرانسوی، به رفتار برخی شیعیان در مناطق شیعه‌نشین همچون اصفهان اشاره می‌کند که با آماده کردن اسب‌های افسارزده، خود را مهیای بازگشت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نشان می‌دادند.^۱ دارمستتر هم به نمودهای انتظار برخی شیعیان در حله و اصفهان اشاره می‌کند^۲ و تئودور نلدکه نیز به این رفتارهای مهدی‌باورانه شیعیان در شهرهای شیعه‌نشین همچون قم و کاشان اذعان می‌نماید.^۳ پطروشفسکی، ایران‌شناس روسی به آماده کردن اسب و ساز و کار همراهی برای امام زمان در شهرهایی همچون کاشان و سبزوار در این زمینه اشاره کرده^۴ و هالیستر نیز به همین آمادگی در میان شیعیان اصفهان و حله اشاره نموده است.^۵ شایان ذکر است غالب استنادات این مستشرقان در این زمینه، به کتاب و نقل ابن بطوطه و ابن خلدون بوده است.^۶

نمودهای انتظار برای آمدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برخی قیام‌ها و حکومت‌های شیعی که در طول تاریخ برپا شده یا شکل گرفته‌اند، پررنگ‌تر هم بوده است. بنا به نقل هاینس هالم، سریداران سبزوار شعار قریب‌الوقوع بودن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را سر می‌دادند و برای ایشان اسب رهوار مهیا می‌نمودند.^۷ فریدلندر نیز به برخی نمایش‌های شاهان صفوی در انتساب و انتظار امام عصر از جمله مهیا کردن دو اسب مزین شده جهت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرت

1. Reinaud, Description des monumens musulmans du cabinet de M. le duc de Blacas, pp.376-377.

۲. دارمستتر، مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم هجری، ص ۳۷-۳۹ و مشابه آن: Margoliouth, Mahdi, p.338.

3. Nöldeke, Zur Ausbreitung des Schiitismus, p.72.

۴. پطروشفسکی، اسلام در ایران: از هجرت تا پایان قرن نهم هجری، ص ۲۸۳.

5. Hollister, The Shi'a of India, p.99.

۶. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ص ۲۷۱-۲۷۲؛ ابن خلدون، دیوان المبتدأ والخبر، ج ۴، ص ۳۹.

۷. هالم، تشیع، ص ۱۴۱-۱۴۲ و ۱۵۴-۱۵۵.

عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در اصفهان اشاره می‌کند.^۱ موقعیت و شرایط خاص دوره صفوی که با قدرت‌گیری شیعیان در پهنه ایران همراه بود، این نمودها را بیش از پیش جلوه‌گر ساخت که تجلی آن در طرح برخی مباحث مهدوی در دولت صفوی (مثلاً ادعای نیابت از امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام و وَجَاءَ الْمَسِيحُ) از سوی شاهان یا برخی علمای دوره صفوی) بوده است که توجه تعدادی از مستشرقان همچون لمبتون،^۲ مارکینوفسکی^۳ و ترنر^۴ را به این موضوع جلب کرده است. برخی محققان غربی این باورها را در دوره صفوی بسیار پررنگ دانسته‌اند؛ برای مثال نیومن که به طور خاص در تاریخ صفویه کارهای مهمی انجام داده، در کتابش با عنوان ایران صفوی و نوزایی امپراتوری پارسی با اشاره به القابی که از سوی خود یا اطرافیان شاه اسماعیل - مؤسس سلسله صفویه - به او اطلاق می‌شده (مانند "الامام العادل الكامل" یا "السلطان العادل") معتقد شده که حداقل بخشی از مردم در آن زمان، او را همان "مهدی" می‌دانسته‌اند. این نویسنده در جای دیگری از کتابش، با ارجاع به استفاده محقق کرکی از عبارت "نائب الامام" در نوشته‌های خود، مدعی می‌شود این عبارت اشاره به این است که شاه اسماعیل یا شاه طهماسب همان امام دوازدهم هستند.^۵

شعارهای و نمادهای منجی‌گرایانه در انقلاب اسلامی ایران نیز مورد اشاره و توجه تعدادی مستشرقان قرار داشته و دارد.^۶ با این حال شاید پررنگ‌ترین نماد مهدویت، به ویژه در سالیان اخیر، مسجد مقدس جمکران باشد که کم و بیش در برخی کارهای غربیان بدان توجه شده است. ماریلیا اورگی با اشاره به جریان ساختن مسجد جمکران به دست حسن بن مثله، به اقبال شدید ایرانیان به این مسجد در سالیان اخیر اشاره می‌کند و می‌نویسد: «بنابر یک اعتقاد

1. Friedlaender, Jewish-Arabic Studies, p.501.
2. Lambton, State and government in medieval Islam: an introduction to the study of Islamic political theory: the jurists, pp.266&275.
3. Marcinkowski, Religion and politics in Iraq: Muslim Shia clerics between quietism and resistance, p.102.
4. Turner, Still Waiting for the Imam?: The Unresolved Question of intizār in Twelver Shi'ism, pp.39&45.
5. Newman, Safavid Iran rebirth of a Persian empire, pp.14&37.
6. Brunner, Die Schia. In Islam: Einheit und Vielfalt einer Weltreligion, p.327 & Maghen, Occultation in Perpetuum: Shi'ite Messianism and the Policies of the Islamic Republic, pp.233-234.

معروف، مؤمنان می‌توانند از طریق یک چاه در جمکران با امام دوازدهم ارتباط برقرار کنند؛ لذا زائران آرزوها و درخواست‌های خود را در قطعه‌ای کاغذ نوشته و از دریاچه چاه بدان می‌اندازند.^۱ دیوید کوک نیز جمکران را کانون کنونی موج منجی‌گرایی شیعی می‌داند و ارتباط میان اوج‌گیری انتظار آمدن مهدی و فعال شدن این مسجد را مفصلاً بررسی می‌کند.^۲ او حتی در برخی نوشته‌های خود این مسجد را «سکونت‌گاه مهدی» یا «محل برقراری ارتباط با امام زمان» می‌خواند.^۳ کالمرد نیز با اشاره به کم‌رونق بودن این مسجد پیش از انقلاب، به توجه خاص مردم به ویژه در سالیان اخیر اشاره می‌کند و اشاراتی نیز به «چاه عریضه» و نیز آداب زیارت و معجزات این مسجد دارد.^۴

ملاحظات در مورد نگاه مستشرقان به انتظار

در مورد نکاتی که مستشرقان در موضوعات مرتبط با انتظار بیان داشته‌اند، نکاتی قابل بررسی و نقد است که به اختصار بدان‌ها پرداخته می‌شود:

۱. با تعریفی که اسلام از منجی خود ارائه داده (فارغ از تفاوت‌های کوچک و بزرگ میان ویژگی‌ها و کارکردهای منجی در میان فرق اسلامی) و با توجه به ماهیت عدالت‌گسترانه و اصلاح‌گرانه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌التشریف در روایات مورد اتفاق مسلمانان، انتظار آمدن او امری انگیزه‌بخش و امیدوارکننده نزد مسلمانان است. البته با توجه به جایگاه باور به مهدویت به عنوان دکتربین معرف شیعه^۵ و نیز سابقه تراژیک و پررنج شیعه به سبب فشارهای حاکمان سنی در طول تاریخ، این انتظار در میان شیعیان (به ویژه شیعیان دوازده‌امامی) بسیار نمود بیشتری داشته است؛ ولی نمی‌توان وجود آن را در میان دیگر مسلمانان نادیده انگاشت. به بیان دیگر، کلام مستشرقانی همچون هاجسون و گلدزیهر در نفی

1. Ourghi, "Ein Licht umgab mich ..." - Die eschatologischen Visionen des iranischen Präsidenten Mahmūd Ahmadīnezād, p.168.
 2. Cook, Waiting For The Twelfth Imam: Contemporary Apocalyptic Shiite Literature And Speculation In Lebanon And Iran, pp.135-137.
 3. Ibid, p.135; Idem, Messianism in the Shiite Crescent, p.94.
 4. Calmard, JAMKARĀN.
 5. Cook, Messianism in the Shiite Crescent, p.124.

وجود چنین انتظاری در میان مسلمانان سنی مذهب با توجه به ظهور مدعیان متعدد مهدویت در جوامع سنی - از هند گرفته تا شمال غرب آفریقا- در طول تاریخ اسلام و اقبال گروهی از مسلمانان بدیشان از یک سو و استفاده از شعارهای منجی‌گرایانه و مهدوی در میان گروه‌های افراطی غالباً سلفی برای جذب مخاطب در عصر کنونی^۱ از سوی دیگر، قابل خدشه است.

۲. دیدگاه غالب مستشرقان مبنی بر گرده برداری منجی‌گرایی اسلامی از ادیان سابق و تأثیرپذیری بسیاری عناصر آن از فضای تاریخی سده اول اسلام که از دوره‌های آغازین مهدویت‌پژوهی غربیان ورد زبان ایشان بوده،^۲ بر باور "انتظار" مسلمانان به آمدن منجی نیز سایه افکنده و آن را تأثیرپذیرفته از شرایط زمانی دانسته‌اند. چنانکه دیدیم اتفاقاتی همچون اختلاط مسلمانان با پیروان ادیان دیگر، به ویژه در شام و عراق، برخی شکست‌های مسلمانان در صدر اسلام، جریان محمد حنفیه و انتظارات شکل گرفته درباره او و در نهایت قیام عباسیان، از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که به باور خاورپژوهان در شکل‌گیری و رشد انتظارات آخرالزمانی و منجی‌گرایانه مسلمانان نقش ویژه‌ای داشته است. به زعم ایشان این انتظار در میان شیعیانی که معمولاً در قیام‌های مختلف مغلوب می‌شدند و پس از چندی انتظار رجعت رهبر خود را می‌کشیدند، شکل پررنگ‌تری داشت و پس از چندی این انتظار به مشخصه گروه‌های مختلف شیعی بدل شد. در مورد ادعای الگوگیری مهدویت اسلامی از ادیان و مذاهب سابق در نوشته‌های مختلف^۳ پاسخ‌هایی داده شده و به طور اجمال شباهت‌های مهدویت با منجی‌گرایی دیگر ادیان، نه به معنای گرده برداری؛ بلکه حاکی از همسویی ادیان آسمانی در این موضوع بسیار مهم دانسته می‌شود که از منشأ واحد آنها نشأت می‌گیرد. این امر نه تنها نکوهیده نیست؛ بلکه مقوم باور منجی‌گرایی اسلامی نیز هست.

با این حال، ادعای این موضوع که "انتظار" ناشی از شکست‌های سیاسی و نظامی شیعیان در جریان قیام‌هایی است که به نتیجه نرسیدند، هم با نظر دیگر مستشرقانی که این انتظارات را در

۱. دهقانی آرانی، پنجه بر آفتاب ۲، ص ۹۳-۹۶ و ۱۲۱-۱۲۶.

۲. همو، سیر تحول نگاه مستشرقان به مهدویت در ۱۵۰ سال اخیر (پایان نامه دکتری)، ص ۱۹-۲۵.

۳. از جمله: موسوی گیلانی، شرق‌شناسی و مهدویت، ص ۱۱۴ و ۱۲۸؛ دهقانی آرانی، بررسی و نقد آرای مستشرقان معاصر در زمینه مهدویت، ص ۲۲۱-۲۲۲.

دیگر مسلمانان نیز جاری و ساری می‌دانند، تنافی دارد و هم مبتنی بر پیش‌فرضی است که متأسفانه بسیاری از مستشرقان در مطالعات خود در موضوع مهدویت آن را مبنا قرار داده‌اند و آن، شکل‌گیری باور مهدویت در بستر تاریخی (اتفاقات پس از پیامبر ﷺ) و نفی وجود این باور در میان آموزه‌های اصیل اسلام است. در صورتی که اگر این دسته از مستشرقان حتی احتمال وجود و انتشار روایات و سنن نبوی را در میان مسلمانان سده نخستین بدهند که حاکی از وعده آمدن منجی عدالت‌گستر از نسل ایشان با عنوان کلی "مهدی" بوده، می‌توان بسیاری از رویدادهای صدر اسلام را که با شعار منجی‌گرایانه شکل گرفته - همچون جریان مختار، نفس زکیه و پس از آن قیام بنی‌عباس - به راحتی توجیه کرد؛ چراکه با وجود این باور که ریشه در آموزه‌های نبوی داشته، بسیاری مسلمانان پس از رویارویی با جنگ‌ها و فتنه‌ها و سختی‌ها در سده اول هجری، انتظار چنین منجی را می‌کشیدند و با هرکسی که چنین پرچمی را بلند می‌کرد، گروهی از مسلمانان - حتی غیر شیعیان - همراهی می‌نمودند. متأسفانه بسیاری محققان غربی موضوع را به عکس می‌بینند و همین جنبش‌ها را عامل شکل‌گیری و توسعه باور مهدویت در میان مسلمانان به ویژه شیعیان می‌دانند. وقتی پیش‌فرض ذکرشده در ذهن مستشرقان وجود داشته باشد، عملاً هر روایتی را نیز ساخته تاریخ دانسته و اصالت آن را نفی می‌کنند. به نظر نگارنده، علی‌رغم اینکه این پیش‌فرض، قابل پاسخ‌گویی است و می‌توان با دلایلی همچون وجود این روایات پیش از بسیاری از این رویدادهای به ظاهر تأثیرگذار، پذیرش این روایات از سوی عموم مسلمانان - اعم از شیعه و اهل سنت - و ذکر آنها در مجامع مختلف حدیثی، این شبهات را پاسخ داد. با این حال به نظر می‌رسد روش تاریخی‌نگری حاکم بر بسیاری پژوهش‌های غربی و دوری از اتخاذ شیوه‌های همدلانه، اجازه پذیرش این موضوع و کنارگذاشتن پیش‌فرض مذکور را برای این‌گونه مستشرقان دشوار کرده است و تلاش برای اصلاح رویکرد ایشان معمولاً راه به جایی نمی‌برد.

۳. چنانکه مشاهده شد، تعدادی از خاورپژوهان، مفهوم انتظار نزد شیعیان را به سکوت و سکون‌گرایی، دوری از فعالیت سیاسی و موکول کردن کنشگری به دوران پس از ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌الشریف معنا کرده‌اند. این معنا از سوی برخی شیعیان نیز ابراز شده و تعدادی گروه‌های شیعی، تأثیرپذیرفته از آن تفکر بوده و هستند؛ ولی این مسئله عمومیت ندارد و بسیاری علما و

صاحب نظران شیعه با آن مخالفت کرده‌اند^۱ و حتی قیام‌هایی همچون انقلاب اسلامی در ایران با تأکید بر انتظار پویا و آمادگی برای ظهور شکل گرفته است. بدفهمی روایات انتظار نیز در همین راستاست و برای نقد آن، علاوه بر روایات غیر همسو با این دیدگاه، می‌توان رفتار فعالانه بسیاری علمای شیعه را در طول تاریخ در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی مثال زد.^۲

۴. اشاره مستشرقان به نمودهای انتظار و آمادگی شیعیان در طول تاریخ، امری پذیرفته است و با توجه به جایگاه والای باور مهدویت نزد شیعه دوازده‌امامی و زنده دانستن او از یک سو و ظلم و فشار متمادی که به شیعیان در طول تاریخ وارد شده از سوی دیگر، این نمودها بسیار طبیعی است؛ ولی اگر ذکر این موارد به معنای اختصاص توجه به مهدویت به شیعیان و عدم توجه و بُروز مهدی‌گرایی در میان دیگر فرق اسلامی است، این امر آشکارا ناصحیح بوده و با واقعیت‌های تاریخی - از جمله ظهور مدعیان قابل توجه در میان اهل سنت و اقبال نسبی به آنها از سوی گروهی از مسلمانان - همخوانی ندارد. جالب آن است که این امر، آنچنان واضح است که تیموتی فرنیس بخش عمده‌ای از رساله دکتری^۳ و کتاب مقدس‌ترین جنگ‌ها^۴ را به جنبش‌های متعدد مهدی‌گرا در میان اهل سنت اختصاص داده و بر عمومی بودن این گرایش در میان فرق و جوامع مختلف مسلمان صحنه می‌گذارد.

۱. برای مثال برای ملاحظه نظر امام خمینی علیه السلام در این باره، ر.ک: هدایتی، مهدویت در منظر امام خمینی رحمه الله، ص ۱۴۶-۱۵۵ یا بنگرید به دیدگاه آیت الله امینی در: امینی، دادگستر جهان، ص ۲۷۱-۳۰۰ و نیز نظر آیت الله منتظری در: المنتظری، دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية، ص ۲۰۵-۲۵۴.
۲. در این زمینه می‌توان به رویکرد علمایی همچون خواجه نصیرالدین طوسی، محقق کرکی، علامه مجلسی، شیخ بهایی، میرزای شیرازی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، علمای عصر مشروطه و بسیاری از علمای معاصر در رویارویی با رخدادهای سیاسی و اجتماعی عصرشان استناد کرد.

3. Furnish, Holiest wars: Islamic Mahdis, their Jihads, and Osama bin Laden, pp.32-98.

4. Idem, 2005, pp.31-42.

نتیجه گیری

از آنجا که اسلام همچون ادیان و مکاتب دیگر به منجی آخرالزمانی و دوران آرمانی که با آمدن او پدید می‌آید، باوری عمیق دارد، طبیعتاً انتظار آمدن آن منجی و رسیدن چنین دورانی، در سینه هر فرد معتقدی ریشه دوانده است. با این حال تشیع به ویژه شیعه دوازده‌امامی با توجه به نگاه خاصی که به مهدویت دارد و آن منجی عدالت‌گستر را به عنوان امام دوازدهم و فردی زنده و حاضر می‌بیند، انتظار ظهور او جلوه‌ای بسیار پررنگ‌تر و بنیادین‌تر دارد و در زندگی فردی و اجتماعی شیعیان چنین انتظاری عمیقاً جاری و ساری است. محققان غربی که از سال‌ها پیش باور منجی‌گرایی اسلامی (مهدویت) را موضوع پژوهش خود قرار داده‌اند، به این موضوع نیز توجه ویژه داشته‌اند که توصیف و تحلیل این نگاه، موضوع مقاله جاری بوده است. نتایج نوشتار فوق را در موارد زیر می‌توان خلاصه نمود:

۱- در نگاه مستشرقان، انتظار آمدن منجی - به ویژه نزد شیعیان - اهمیت و جایگاه والایی دارد و در عرصه‌های مختلف مذهبی و اجتماعی ایشان سایه افکنده است.

۲- تعدادی از مستشرقان روند شکل‌گیری انتظار نزد شیعیان و مسلمانان را تدریجی و بر اثر اتفاقات تاریخی قرون آغازین اسلام می‌دانند.

۳- در تعریف محققان غربی از انتظار شیعی، معمولاً به انفعالی بودن و همراهی این مفهوم با سکوت‌گرایی و صبر تا قیام امام مهدی عج تأکید شده است.

۴- در میان مستشرقان به طور خاص کولین ترنر و دیوید کوک بیشتر به روایات انتظار پرداخته‌اند و کارکرد آنها را به نوعی آرامش و امیدبخشی به شیعیان تحت ستم تقلیل داده‌اند.

۵- بحث رایجی که تعداد قابل توجهی از محققان غربی در این موضوع بدان پرداخته‌اند، نمودهای تاریخی انتظار و آمادگی برای ظهور امام مهدی عج نزد مسلمانان و شیعیان است که در طول تاریخ و به ویژه پس از انقلاب اسلامی جلوه داشته است.

چنانکه مشاهده شد علی‌رغم کار قابل توجه برخی مستشرقان در این موضوع، به دلیل برخی پیش‌فرض‌ها و نیز اشتباهات در برداشت و فهم باورها و روایات اسلامی/شیعی، برآیند تلاش ایشان در این موضوع چندان رضایت‌بخش نبوده و اشکالات جدی دارد.

منابع

۱. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، *سفرنامه ابن بطوطه*، آگاه، ۲ جلد، ترجمه: محمدعلی موحد، تهران، ۱۳۷۶.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد بن محمد، *دیوان المبتدأ والخبر*، دارالفکر، ۸ جلد، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۳. المنتظری، حسینعلی، *دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية*، تفکر، ۴ جلد، قم، ۱۴۰۸ ق.
۴. امینی، ابراهیم، *دادگستر جهان*، شفق، قم، ۱۳۸۰.
۵. پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ، *اسلام در ایران*، ترجمه: کریم کشاورز، پیام، تهران، ۱۳۶۳.
۶. دارمستر، جیمز، *مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم هجری*، ترجمه: محسن جهانسوز، کتابفروشی ادب، تهران، ۱۳۱۷.
۷. دهقانی آرانی، زهیر، «سیر تحول نگاه مستشرقان به مهدویت در ۱۵۰ سال اخیر» (رساله دکتری)، دانشگاه تهران - پردیس فارابی، ۱۳۹۸.
۸. _____، *بررسی و نقد آرای مستشرقان معاصر در زمینه مهدویت*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۸.
۹. _____، *پنجه بر آفتاب ۲*، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۹۹.
۱۰. کرین، هانری، *مجموعه مقالات هانری کرین*، ویراسته محمدامین شاهجویی، حقیقت، تهران، ۱۳۸۴.
۱۱. موسوی گیلانی، سید رضی، *شرق‌شناسی و مهدویت*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریع، قم، ۱۳۸۹.
۱۲. نیومن، اندرو، «آشنایی با شیعه پژوهان غربی: ضرورت گسترش تعامل مراکز شیعی و غربی فارغ از مسائل سیاسی»، مجله اخبار شیعیان، مرداد ۱۳۹۲.
۱۳. هالم، هاینس، *تشیع*، ترجمه: محمدتقی اکبری، ادیان، قم، ۱۳۸۹.
۱۴. هدایتی، ابوالفضل، *مهدویت در منظر امام خمینی رحمه الله*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، ۱۳۸۷.
15. Brunner, Rainer. "Die Schia." In *Islam: Einheit und Vielfalt einer Weltreligion*, Rainer Brunner (Hrsg.), 310-37. Stuttgart: Kohlhammer Verlag, 2016.
16. Cahen, Claude. *Vom Ursprung bis zu den Anfängen des Osmanenreiches*. Edited by Gerhard Endreß. Frankfurt am Main: Fischer-Taschenbuch-Verl., 1991.
17. Calmard, Jean. "JAMKARĀN." *Encyclopedia Iranica*. London and Boston, MA.: Routledge and Kegan-Paul, 2011.
18. Cook, David. *Studies in Muslim apocalyptic*. Princeton, N.J.: Darwin Press, 2002.
19. _____. "Messianism in the Shiite Crescent." In *Current trends in Islamist ideology. Volume 11*, 91-103. Washington, D.C.: Hudson Institute, 2011.

20. ———. “Waiting For The Twelfth Imam: Contemporary Apocalyptic Shiite Literature And Speculation In Lebanon And Iran.” In *Fundamentalism in the Modern World Vol 1: Fundamentalism, Politics and History: The State, Globalisation and Political Ideologies* By Ulrika Martensson, 124-47. I.B. Tauris, 2011.
21. ———. “Fighting to Create the Just State: Apocalypticism in Radical Muslim Discourse.” In *Just Wars, Holy Wars, and Jihads: Christian, Jewish, and Muslim Encounters and Exchanges* by by Sohail H. Hashmi (Ed.), 364-82. Oxford ; New York: Oxford University Press, 2012.
22. Ess, Josef van. *Theologie und Gesellschaft im 2. und 3. Jahrhundert Hidschra : eine Geschichte des religiösen Denkens im frühen Islam*. Berlin; New York: de Gruyter, 1991.
23. Friedlaender, Israel. “Jewish-Arabic Studies. I. Shiitic Elements in Jewish Sectarianism.” *jewiquarrevi The Jewish Quarterly Review* 2, no. 4 (1912), page 481-516: 481-516.
24. Furnish, Timothy R. “Eschatology as politics, eschatology as theory: modern Sunni Arab Mahdism in historical perspective.” Ph.D. dissertation, The Ohio State University, 2001.
25. ———. *Holiest wars: Islamic Mahdis, their Jihads, and Osama bin Laden*. Westport, Conn.: Praeger Publishers, 2005.
26. Goldziher, Ignác. *Introduction to Islamic theology and law*. Translated by Andras Hamori and Ruth Hamori. New Jersey: Princeton University Press, 1981.
27. Hodgson, Marshall G. S. *The Venture of Islam: A short history of Islâmic civilization*. Vol. 3. Chicago: University of Chicago Press, 1974.
28. Hollister, John Norman. *The Shi'a of India*. London: Luzac, 1953.
29. Keddie, Nikki R. “Shi‘ism and Revolution.” In *Religion, Rebellion, Revolution*, 157-82. London: Palgrave Macmillan, 1985.
30. ———. *Iran and the Muslim world: resistance and revolution*. London: MacMillan, 1995.
31. Lambton, Ann K. S. *State and government in medieval Islam: An introduction to the study of Islamic political theory : The jurists*. London ; New York: Routledge, 1981.
32. Lewis, Bernard. *The Arabs in history*. Oxford ; New York: Oxford University Press, 2002.
33. Madelung, Wilferd. “AL-MAHDI.” *Encyclopaedia of Islam*. Leiden: Brill, 1985.
34. Maghen, Ze ‘ev. “Occultation in Perpetuum: Shi’ite Messianism and the Policies of the Islamic Republic.” *The Middle East Journal* 62, no. 2 (2008), page 232-57: 232-57.

35. Marcinkowski, M. Ismail. *Religion and politics in Iraq: Muslim Shia clerics between quietism and resistance*. 1st ed. Contemporary Islamic scholars series. Singapore: Pustaka Nasional, 2004.
36. Margoliouth, David Samuel. "Mahdi." *Encyclopædia of religion and ethics*. Vol. 8 *Life and death - Mulla*. Edinburgh: Clark, 1915.
37. ———. *On Mahdis and Mahdism*. London: Oxford University Press, 1919.
38. Newman, Andrew J. *Safavid Iran rebirth of a Persian empire*. London: I.B. Tauris, 2009.
39. Nöldeke, Theodor. "Zur Ausbreitung des Schiitismus." *Der Islam* 13, no. 1-2 (1923), page 70-81: 70-81.
40. Ourghi, Mariella. "„Ein Licht umgab mich ...“ - Die eschatologischen Visionen des iranischen Präsidenten Mahmūd Ahmadīnēzād." *Die Welt des Islams* 49, no. 2 (2009), page 163-80: 163-80.
41. Peters, Rudolph F. "Islam and the legitimation of power: The Mahdi-revolt in the Sudan." *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft Supplement*, no. 21 (1983).
42. Pinault, David. *The Shiites: ritual and popular piety in a Muslim community*. New York: St. Martin's Press, 1992.
43. Reinaud, Joseph Toussaint. *Description des monumens musulmans du cabinet de M. le duc de Blacas*. Paris: Imprimerie royale, 1828.
44. Turner, Colin P. "Still Waiting for the Imam?: The Unresolved Question of intizār in Twelver Shi'ism." *Persica* 15 (1995 1993), page 29-47: 29-47.
45. Watt, W. Montgomery. "The Rāfiḏites : A preliminary study." *Oriens* 16 (1963), page 110-21: 110-21.